



رهنمودهای تبیینی

بر اساس ویژگیهای نوجوانان



(نزوم فهم فلسفه گرفتاریها)

رضا آبیاری - واحد کودک و نوجوان

اشاره

روحیات و ظرفیت شخصیتی نوجوانان، به بیان راهکارها بپردازد. پیش از ورود به مسئله، اشاره به این مطلب لازم است که آنچه نوجوان در حوزه گرفتاریها با آن مواجه است، چگونگی مقابله و مبارزه نیست. در واقع، در پی حل معماهای دشواریها نمی‌گردد؛ بلکه به دلیل نبودن آگاهی و درک لازم از فلسفه آفرینش، و پرورش یافتن در یک فضای راحت و بی‌دغدغه، در پی گریز و فرار از کمند مشکلات است

در شماره پیشین به بررسی یکی دیگر از ویژگیهای شخصیتی نوجوانان، یعنی توجه به فهم فلسفه گرفتاریها و مصائب پرداختیم و پس از بیان مقدماتی در باره حکمت‌های بلایا و مشکلات، علل و عوامل ابتلا به آنها را نیز بررسی کردیم. در ادامه به بحث در باره چگونگی مراجعه و مقابله با مشکلات می‌پردازیم. همچنین به این نکته توجه می‌کنیم که مبلغ، چگونه باید با در نظر گرفتن

مقاومت نوجوانان یا تکنیکهای مقابله با مشکلات

سازگاری با محیط خانواده و چالشهای موجود در آن، از نشانه‌های یک شخصیت سالم و بهنجار محسوب می‌شود. بی‌تردید، انسانی که از بدو نوجوانی آموخته که برای کسب آرامش روحی و روانی و چشیدن طعم آسایش، باید مشکلات را تحمّل کرده و آنها را قسمتی از زندگی بداند، در آینده، شخصیت مطلوب و سازگاری خواهد داشت.

نوجوان باید بداند که اولاً: فرار از مشکل نه تنها حلال آن نیست؛ بلکه بدترین شیوه مبارزه نیز هست و ثانیاً: او هر کجا که قدم بردارد، باز هم به‌طور کامل، فضا و محیط را موافق میل خود نمی‌یابد.

گر گریزی بر امید راحتی

ز آن طرف هم پشت آید آفتی

هیچ کنجی، بی‌دد و بی‌درد نیست

جز به خلوتگاه حق، آرام نیست^۱

و این، همان مطلبی است که از منظر دین اسلام، مذموم و ناپسند شمرده شده است.

امروزه با حاکم شدن روحیه تجمّل‌گرایی و راحت‌طلبی بر خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان آمادگی مقابله با سختیهای روزمره را در خود نمی‌بینند و در نهایت، هزینه‌ها و عواقب سنگینی را بر فضای خانواده و جامعه تحمیل می‌کنند.

بروز ناهنجاریهایی نظیر: بی‌احترامی به والدین، کم‌حوصلگی و تشویش، حضور در مجالس مختلط، استفاده از قرصهای روان‌گردان، گوش دادن به موسیقیهای تند و... این معنا را تقویت می‌کند که امروزه، جوانان ما برای حل مشکلات خود حاضرند چنین هزینه‌هایی را پردازند.

در هر حال، مربی با استفاده از راهکارهای به روز و در عین حال دینی که در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام ریشه دارد، می‌تواند از تولّد این پدیده مخرب در وجود نوجوان جلوگیری کند.

۱. مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمد مولوی

بلخی، دینوالد نیکلسون، دفتر دوم، بیتهای ۵۹۰ و

نوجوان باید بداند که اولاً: فرار از مشکل نه تنها حلال آن نیست؛ بلکه بدترین شیوه مبارزه نیز هست و ثانیاً: او هر کجا که قدم بردارد، باز هم به طور کامل، فضا و محیط را موافق میل خود نمی‌یابد.

نوجوان باید بداند که اولاً: فرار از مشکل نه تنها حلال آن نیست؛ بلکه بدترین شیوه مبارزه نیز هست و ثانیاً: او هر کجا که قدم بردارد، باز هم به طور کامل، فضا و محیط را موافق میل خود نمی‌یابد.

از اینرو، مهم‌ترین و بهترین راه برای تحمل و در نهایت غلبه بر آلام، «القاء و تبیین» فرهنگ صبر و استقامت است. برای نهادینه شدن این مسئله و تفهیم آن به نوجوانان، راهکارها و مطالب ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. اشاره به گذرا بودن مشکلات

از جمله عوامل موفقیت در برابر سختیها، توجه به گذرا بودن آنها است. و توجه به این مطلب که پس از هر سختی قطعاً آسانی و فرج خواهد آمد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾؛ «به یقین با [هر] سختی آسانی است. مسلماً با [هر] سختی آسانی است.»

صاحب تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۵۵ سوره مبارکه بقره به گذرا بودن مشکلات چنین اشاره کرده است: «پادشاهی، حکیمان خود را فراخواند و گفت: مرا چیزی بیاموزید که اگر بسیار غمگین باشم در آن نگاه کنم و غم دل از بین برود و اگر بسیار شاد باشم، در آن نگاه کنم و فریفته روزگار نشوم. حکیمان، مدتی مشورت کردند و سرانجام، نگینی

مثل صبر، فلسفه گرفتاریها و... است و نقطه مشترک گروه اول، آگاهی از مسئله گذرا بودن ناگواریها و آسان شدن امور است.

بیان دقیق این عامل، انگیزه تحصیل را در دانش‌آموزان چند برابر می‌کند. تفریحات دائمی، سرگرمیهای رایانه‌ای، توجه نکردن به برنامه‌ریزی درسی، شیظت‌های سر کلاس و بی‌توجهی و کم‌دقتی به تدریس معلم و فهم درس، از جمله کارهایی هستند که نوجوان، بعد از واقف شدن به مسئله گذرا بودن دشواریها، از آنها دوری می‌کند؛ چرا که در این مقطع سنی، او چون طیف زیادی از همسالان خود را مشغول این امور می‌بیند، تصور می‌کند این امور همان نیازهای واقعی او و غایت و هدف زندگی هستند، از اینرو نمی‌تواند زحمت درس خواندن را به جان بخرد. مرتی باید، تصویر دقیق و هنرمندانه‌ای از تفریح و تحصیل و جمع بین این دو امر ضروری را برای او ترسیم کند تا از این رهگذر، او

برانگشتی او ساختند که روی آن نوشته شده بود: «این نیز بگذرد.»^۱ اصولاً همه ما برای رسیدن به آینده‌ای روشن، زندگی می‌کنیم و می‌دانیم، زندگی مالمال از رنجهاست؛ اما با ورود به جامعه و رسیدن به سن فهم و درک که نوجوانی باشد، افراد دو گروه می‌شوند: «گروهی که حاضرند نامایمات را برای آینده‌ای روشن تحمل کنند و گروهی که از مواجهه با مشکلات گریزانند و می‌خواهند بدون برخورد با آنها به آینده‌ای مطمئن دست یابند.

با کاوش در احوال مردم، افراد موفق را از گروه دوم نمی‌یابیم؛ حتی کسانی که آینده مناسب را در پول می‌بینند و برای رسیدن به آن، سالها انواع مشقتها را تحمل می‌کنند.

وجه مشترک در همه افراد دسته دوم با هر هدف و انگیزه‌ای که باشند، کم‌صبری و جهل درباره مفاهیمی

۱. طنز و رمز در الهی‌نامه، بهروز تروتیان، ص

قدمهای خود را در مسیر موفقیت، محکم‌تر بردارد.

صابری کردیم تا بند فرج بگشاد صبر راست گفت آن کس که گفت «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ»^۱

۲. توجه دادن به اینکه «وجود ناگواری، مصلحت انسان است.»

همان‌گونه که در قسمت اول این بحث مطرح شد^۲، نوجوان به دلیل درک نامطلوب از وقوع مصائب،

دچار تردید و سردرگمی می‌شود و نمی‌تواند وجود این سختیها را در زندگی خود حل کند. بیان و تشریح مسئله «مصلحت» نه تنها برای نسل نوجوان ما مفید و مؤثر است؛ بلکه برای گروههای سنی بالاتر نیز راهگشا است.

مبلغ، با طرح این نکته ظریف و عمیق که اموری در زندگی است که در ظاهر به زیان ماست؛ اما منفعت ما در وقوع آن است و حال آنکه ما از آن بی‌خبریم میتواند در تقویت روحیه صبر و مقاومت نوجوان در مقابل مشکلات مؤثر باشد. همچنان‌که خداوند متعال در آیات قرآن به این مسئله اشاره فرموده است: ﴿... وَعَسَىٰ

أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ...﴾^۳ «... چه بسا چیزی را بد می‌دارید در حالی که همان برای شما خیر است و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید در حالی که همان برای شما بد است....» و

۱. مبلغ و مربی به اینجا که رسید می‌تواند پاره‌ای از روایات باب صبر و ثمرات آن را بیاورد و با بیان مناسب توضیح دهد. پیامبر ﷺ فرمود: «إِنِّيظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ؛ انتظار گشایش که با صبر قرین باشد، عبادت است.» نهج الفصاحة، ترجمه مرتضی فرید تنکابنی، تهران، سیزدهم، ۱۳۸۳ ش، ص ۴۱۶.

و فرمود: «بدان که ظفر، قرین صبر است و گشایش، قرین رنج و به دنبال سختی، نرمی وجود دارد.»

همچنین می‌فرماید: «اگر سختی بیاید و وارد این لانه شود، آسانی می‌آید و بر آن وارد می‌شود و بیرونش می‌کند.» میزان الحکمة، ج ۹، ص ۷۳، ح ۱۵۸۵۶.

۲. رجوع شود به ماهنامه مبلغان، ش ۱۰۸،

می فرماید: ﴿فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛^۱ «ای بسا چیزی را بد می دارید و خداوند در آن خیر زیادی را قرار داده است.»

اصل تفویض و واگذاری امور به خداوند از جمله اصول تربیتی است که مربی را در بیان مسئله مصلحت یاری می کند. امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «مَنْ اتَّكَلَّ عَلَىٰ حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ مِنَ اللَّهِ لَهُ، لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْأَحْوَالِ الَّتِي إِخْتَارَهَا اللَّهُ لَهُ؛^۲ کسی که به حسن انتخاب خدا برای خود تکیه کند، جز حالتی را که خدا برایش اختیار کرده است، حال دیگری برای خویش آرزو نکند.» آری، و مگر خدا حال بدی را برای بندگان می خواهد و آیا او می پسندد تا ما به آمال و آرزوهایمان نرسیم!؟

البته این نکته را باید در نظر داشت که بسیاری از مشکلات و دشواریهای انسان، ناشی از گناه،

تقصیر، تبلی و بی دقتی او می باشد. همانطور که در آیه ۳۰ از سوره شوری می خوانیم. ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَنْبَدِيكُمْ﴾؛ «هر آنچه از مصیبت به شما می رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده اید.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «... مَا مِنْ حَدْسٍ عَوْدٍ وَلَا نَكْبَةٍ قَدَمٍ إِلَّا بِذَنْبٍ...»؛ هر خراشی که از چوبی [بر تن انسان] وارد شود و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است...»

پس قبول این مطلب که دشواریها، یا آثار اعمال ما به مصلحت انسان است، می تواند گوهر ارزشمندی باشد تا ما را از گذرگاههای تنگ زندگی به سلامت عبور دهد.

سعدی در این باره چنین می گوید: «روزی حضرت موسی علیه السلام، فقیری را دید که از شدت گرسنگی و تهیدستی روی ریگ بیابان خوابیده است. چون فقیر، موسی علیه السلام را دید به او گفت:

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسة

الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۰، ص ۳۱۶.

۱. نساء/۱۹.

۲. میزان الحکمة، ج ۹، ص ۲۴۲، ح ۱۶۴۰۹.

ناهنجاریها باشد. مبلّغ با پرداختن به این مقوله تربیتی، نوجوان را در برابر هر نوع گرفتاری، اعم از: مادی، اجتماعی، خانوادگی و... بیمه می‌کند و او را برای ایستادگی در برابر دشواریهای بزرگ‌تر آماده می‌سازد.

او هر چه می‌کند، چو صوابست و محض خیر پس ما چرا حدیث، ز چون و چرا کنیم سر در نهیم در راه او هر چه باد باد تن در دهیم و هر چه رسد، مرجبا کنیم^۲

۳. معرفی الگوهای عینی

تجربه نشان داده است، انسانها هرگاه الگوهای را به‌ویژه از گروه همسالان برای اعمال و رفتار خود می‌یابند، انجام یا ترک آن فعل را امکان‌پذیرتر، تلقی می‌کنند. از اینرو وقتی از نوجوانانی بگوییم که چگونه در برابر انواع ناگواریها ایستادگی کرده و مصیبت، حریف ضعیفی در برابرشان بوده و بعد از رقابتی تنگاتنگ آن را زمین‌زده‌اند، انگیزه و قوه پایداری در مخاطب نوجوان نیز رشد می‌کند.

«ای موسی! دعا کن خداوند متعال مرا از رزقش بهره‌مند سازد که از بی‌طاقتی به جان آمدم». موسی علیه السلام در حق او دعا کرد و رفت. موسی پس از چند روز از مسیری می‌گذشت که دید همان مرد را دستگیر کرده و جمعیت زیادی، گرد او را گرفته‌اند. پرسید: «چه حادثه‌ای رخ داده است؟!». گفتند: «این مرد، شراب خورده و عربده کشیده و شخصی را کشته است. اکنون او را برای قصاص دستگیر کرده‌اند». موسی چون چنین دید، از دعا در حق او استغفار کرد و دانست تهیدستی به مصلحت او بوده است.^۱

گُربه مسکین اگر برداشتی

تخم گنجشک از جهان برداشتی

آن دو شاخ گاو اگر خر داشتی

نسل آدم از زمین برداشتی

نهادینه شدن فرهنگ تسلیم و در عین حال تحمل و مقابله با مشقتها، می‌تواند شاه‌کلید بسیاری از قفل‌های

۱. کلیات سعدی، نسخه تصحیح شده محمدعلی

فروغی، تهران، ۱۳۷۸ ش، ص ۹۵.

۲. فیض کاشانی.

فعلی ما فاصله دارد نیز در میزان تأثیرگذاری مطلب، مهم است. او باید بتواند بیش تر شرایط الگو را با مسائل زندگی اش تطبیق دهد.

سرگذشت کودکی و نوجوانی معمار انقلاب، حضرت امام خمینی علیه السلام و بیان چگونگی تحمل دشواریهای آن زمان برای تحصیل دانش، روایت زندگی سراسر رنج و زحمت خادم بزرگ انقلاب، شهید رجایی و انتخاب گزیده‌ای از دوران نوجوانی برخی شهیدان و علمای معاصر و موانعی که برای رسیدن به کمال پشت سر گذاشتند، می‌تواند از جمله مصادیق ارزشمند برای الگودهی به نوجوانان باشد.

نمونه ذیل را با روش ابهام بیان می‌کنیم که از روشهای جذاب در نقل داستان است: «سید محمد، اهل روستای شادآباد تبریز بود. پنج ساله بود که مادرش را از دست داد و چهار سال بعد در فقدان پدر به سوگ نشست و نهال وجودش از همان کودکی با ناملايمات خو گرفت. با

داستان سربلندیهای یک نوجوان فقیر یا معلول، قصه محبوبیت نوجوانان پرتلاش و سرگذشت مردان بزرگی که از تحمل شکست، پیروزی را به دست آوردند، بهترین انگیزه برای حرکت مستعد نوجوان ایرانی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی است.

مبلغ، با طرح این نکته

ظریف و عمیق که اموری

در زندگی است که در

ظاهر به زیان ماست؛ اما

منفعت ما در وقوع آن

است و حال آنکه ما از آن

بی‌خبریم می‌تواند در

تقویت روحیه صبر و

مقاومت نوجوان در مقابل

مشکلات مؤثر باشد

توجه به این نکته که الگو و سوزنه داستان ما چقدر با زمان و شرایط

استقامت کرد. بعد از ازدواجش، صاحب فرزند شد و همه دلخوشی‌اش حضور همسر و فرزندش بود؛ اما به دلیل گرمای شدید هوا، فرزندش بیمار شد و بعد از چند روز از دنیا رفت؛ اما او لحظه‌ای از تلاش بازنايستاد.

پس از چند سال به تبریز و سپس به قم رفت و با چهار فرزند در یک اتاق زندگی کرد که هم در آنجا درس می‌خواند، هم آشپزخانه بود و هم محل استراحت. وی سی و پنج سال در قم بود، حوزه علمیه را آباد کرد و به تدریس، تألیف و تهذیب نفوس پرداخت. سید محمد، شاگردانی چون: شهید مطهری، آیت الله مصباح و آیت الله جوادی آملی را تربیت کرد و در سال ۱۳۶۰ شمسی دار فانی را وداع گفت. او کسی بود که امروز جهان اسلام، از آثار او بهره‌ها می‌برد؛ یعنی علامه طباطبایی رحمته الله علیه^۱

رحلت پدر، دشواریهایش چند برابر شد و در نتیجه، سید محمد تا نه سالگی به مکتب و مدرسه نرفت؛ اما سرانجام تصمیم گرفت، با وجود همه گرفتاریها به مدرسه برود. او در طول چند سال مدرسه، به غیر از کتب درسی و قرآن، استادی را پیدا کرد و نزد او گلستان، بوستان و نصاب الصبیان را یاد گرفت.

خودش بعدها در زندگی‌نامه‌اش می‌نویسد: «بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی، وارد حوزه علمیه شدم تا علوم دینی را بخوانم؛ اما چیزی نمی‌فهمیدم و همین نفهمیدن باعث شد، چهار سال بدون انگیزه سپری شود و مشکلات هم مزید بر علت بود.»

سرانجام، او بر سختیها چیره شد و با قوت، درس خواند؛ به گونه‌ای که دروس تبریز، وی را قانع نکرد و عازم نجف شد. وی به جایی رفت که نه زبانشان را بلد بود و نه آب و هوای خوبی داشت و نه درآمدی. اوقاتش را با مشقت سپری می‌کرد؛ اما هرطور بود برای هدفش ایستاد و

۱. درس زندگی، سیدرضا حسینی، قم، تیش، اول،